

پژوهشی در تاریخ و هنر دوره اشکانی

دکتر رضا مهر آفرین¹

مهسا زارعی²

چکیده:

در میان سلسله‌های پادشاهی سرزمین ایران، امپراطوری اشکانی از برجسته‌ترین دولت‌ها بشمار می‌آید؛ چراکه یکی از طولانی‌ترین و نیرومندترین آنهاست که در تاریک‌ترین دوران تاریخی به مدت 470 سال دفاع از ایران را برعهده گرفت. حکومت اشکانی (225 ق.م تا 226 م) یکی از سلسله‌های پادشاهی دوران تاریخی ایران است که آثار باستانی قابل توجهی از این دوره در مرزهای کنونی ایران یا خارج از آن شناسایی شده، لیکن درباره دوره اشکانیان، اطلاعات ما در زمینه مسائل تاریخی بسیار اندک و محدود است. مدارکی که ما را در این امر یاری می‌کند به جزء چند نوشته مختصر بر روی پوست، تعدادی کتیبه و سفال نوشته‌های نسا، که مربوط به خود اشکانیان است، بقیه را متونی تشکیل می‌دهد که توسط یونانی‌ها و رومی‌ها نگاشته شده است. نگاهی به تاریخ این دوران نشان می‌دهد که اغلب نواحی ایران بخصوص نواحی شرقی و شمال شرقی آن هیچگاه دست از تلاش و ستیز برنداشتند و مبارزه‌ای پیگیر و بی‌امان را دنبال می‌کردند. نکته‌ی دیگر در بررسی خصوصیات هنر این دوران، عامل تسلط سیاسی و وجود یک ساتراپ یونانی بمنزله‌ی نفوذ فرهنگ یونانی است. بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد ملاحظه می‌گردد که بطور ضمنی بوجود یک هنر مشخص پارسی می‌بریم که در میان آن نفوذ و پیوند با هنر هلنی را نمی‌توان نادیده گرفت. این مقاله به تاریخ و هنر در عصر اشکانی نگاهی کوتاه افکنده و به بررسی علل و چگونگی بنیان سلسله اشکانی، سرانجام، وسعت و هنر این دوران می‌پردازد. نوشتار حاضر با توجه به ماهیت این موضوع، روشی توصیفی - تحلیلی را برای پژوهش برگزیده است تا به ارزیابی منطقی درباره‌ی آنها دست یابد. بنابراین به روش کتابخانه‌ای و با تأکید بر منابع اصلی پس از توصیف موضوع به تحلیل و تبیین گوشه و کنار آن خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: دوران اشکانی، هنر پارسی، تزئینات معماری، هنر هلنی.

1. دانشیار دانشگاه مازندران Reza.mehrafarin@gmail.com

2. دانشجوی کارشناسی ارشد باستانشناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز mahsa_zare6622@yahoo.com

درباره‌ی پارتیان آنچه که بسیار روشن به نظر می‌رسد آن است که اشکانیان از شرق ایران طلوع کردند و در یکی از سخت‌ترین شرایط تاریخی این سرزمین دولت سلوکی را که جانشین امپراتوری هخامنشی شده بود، برانداختند و اساس دولتی را بنیاد نهادند که تا زمان برآمدن ساسانیان همچنان پایدار و پابرجا بود.

بعد از حمله‌ی اسکندر، یونانیان سعی داشتند به نحوی سلیقه و فرهنگ خود را بر ایرانیان تحمیل کنند؛ اما در عمل می‌بینیم که این امر به صورت دلخواه آنان انجام نگرفت. اما با این حال عوامل برتر هنر یونانی را گرفتند و در هنر خود درآمیختند و به شکلی نو درآوردند. از این رو شایسته است آن را هنر پارتی بنامیم که خود مقدمه‌ایست برای بوجود آمدن هنر ساسانی و هنر عظیم دوره‌ی اسلامی. نخستین دهه‌های استقرار پارتیان در کنار اقوام یونانی و در رویارویی شدید با فرهنگ این قوم بیگانه گذشت. به دلیل وسعت منطقه تحت نفوذ حکومت پارتیان و آمیختگی ملیت‌های مختلف در آن، نمی‌توان تصور یک هنر یکپارچه را در این قلمرو داشت شاید دلیل این امر نوع سیستم حکومتی پارتیان باشد که بر مبنای ملوک‌الطوایفی شکل گرفته بود و مناطق مختلف از حکومت مرکزی دستور نمی‌گرفتند.

اشکانیان با تدبیر و اندیشه کشور پهناور خود را اداره می‌نمودند. آنان پس از چیرگی بر سرتاسر ایران زمین، فرمانروایان خود را شاهنشاه نامیدند. دوره‌ی اشکانیان که 470 سال دوام پیدا کرد، به سه بخش قابل تقسیم است. آنان در دوران نخست به تحکیم مبانی دولت خود پرداختند و سلوکیان را از این سرزمین بیرون راندند. در دوره‌ی دوم با پیروزی در مقابل رومیان و قبایل شرقی (سکاها) دولت عظیمی را بوجود آوردند که یکی از دو امپراطوری بزرگ آن زمان را تشکیل می‌داد (این قسمت از سلطنت مهرداد دوم تا آخر سلطنت بلاش است). بخش سوم شامل دوره‌ایست که دولت اشکانی رو به انحطاط می‌رود.

علل و تاسیس سلسله اشکانی:

اسکندر پس از شکست پادشاه هخامنشی، ضرورت پذیرش ایدئولوژی هخامنشی و اصول و روش‌های اداره‌ی امور کشورداری هخامنشیان را پذیرفت و خود را ادامه دهنده‌ی راه هخامنشیان به یونانیان، مقدونیان و ایرانیان نشان داد. وی در سر داشت که دو تمدن و فرهنگ ایرانی و یونانی را به یکدیگر پیوند دهد و از ترکیب آنها یک فرهنگ جهانی شکوفاتر و بارورتری را فراهم سازد (گیریشمن، 1381: 424). اما پس از مدتی، اسکندر نیز بر اثر بیماری در سن 31 یا 32 سالگی در گذشت. با مرگ اسکندر، جانشینانش که بلندپایه‌ترین فرماندهان نظامی مقدونی بودند، قلمرو پهناور امپراطوری اسکندر را میان خود تقسیم نمودند.

سلوکیان در ایران جانشین اسکندر شدند. سلوکوس که وارث قسمت بزرگی از امپراطوری هخامنشی بود با ازدواج با یکی از نجیب زادگان ایرانی، سلسله‌ای را بنیان نهاد که در آن خون ایرانی با خون مقدونی در هم آمیخت. سلوکیان شیوه‌ی کشورداری هخامنشیان را مانند اسکندر همچنان حفظ کردند. شیوه‌ی حسابداری و خزانه‌داری، تقسیم قلمرو امپراطوری به ساتراپی‌ها، شیوه‌ی مالیات‌گذاری، تقدس مقام سلطنت، احترام به آیین‌ها، در دوره‌ی سلوکیان نیز همچنان پا برجا ماند (کالج، 1380: 19).

تسلط یونانیان و مقدونیان بر فلات ایران نمی‌توانست برای مدت بسیار طولانی تداوم یابد؛ زیرا علی‌رغم کوشش شخص اسکندر و سیاست مقدونی کردن شرق که از طرف جانشینان وی تعقیب می‌گردید، با مقاومت‌های بسیار روبرو شد و عمده‌تر از همه با قدرت جدید که در جبهه‌ی شرق ظهور یافته بود، یعنی پارتیان مواجه شدند (گشایش، 1387: 212). روش اداری غیر متمرکز و پراکنده سلوکیان، عدم توانایی آنان به بسط قدرتشان در قسمت‌های مختلف امپراطوری، خود عامل تحریک و تشویق تمایلات استقلال طلبانه‌ی حکام و فرمانروایان محلی بود.

در حدود سال‌های 261-246 پیش از میلاد یکی از ساتراپ‌های پارتی تبار که بعد‌ها "اشک (ارشک) اول" خوانده شد، در برابر جانشینان سلوکوس که بر ایران و بین‌النهرین سلطنت می‌کردند، سربرداشت و در منطقه‌ی شمال گرگان کنونی دولت ایرانی مستقلی

تشکیل داد. دامنه‌ی پیشرفت پارت‌ها یا به طور صریح‌تر راندن سلوکیان به دست تیرداد و فرزندان آنها ادامه یافت و سراسر ایران زمین تحت حکومت واحدی در آمد و شاهنشاهی پارت سیادت خود را آغاز نمود.

مورخان، قوم‌شناسان و نژادشناسان در باره‌ی پیشینه و نژاد پارتیان بر این باورند که آنها سکایی و از قوم پرنی¹ یا اپرنی² بودند. این قوم یکی از سه ایل بزرگ سکایی به شمار می‌آمد که بخشی از قوم اصلی و بزرگ داهه را تشکیل می‌دادند. مردم داهه در کرانه‌ی شرقی دریای مازندران به صورت چادرنشین زندگی می‌کردند (خدادادیان، 1380: 49). تاریخ پارتیان از سال 250 پیش از میلاد تا پایان این سلسله در سال 226 میلادی به سه دوره تقسیم می‌شود. دوره‌ی نخست، تاسیس دولت پارت را شامل می‌شود. دوره‌ی دوم، دوران شکوفایی پادشاهی اشکانی و دوره‌ی سوم تضعیف و نهایتاً فروپاشی این دولت است که زمان درازی را نمی‌توان به آن اختصاص داد (پیرنیا، 1390: 216).

سرانجام سلسله‌ی اشکانی:

امپراطوری پارت مکرراً درگیر جنگی در دو جبهه بود. در غرب ابتدا سلوکیان و بعد امپراطوری مقتدر روم و بعد هم از مناطقی در شمال و شرق، همان جایی که پارتیان سیطره‌ی خود را آغاز نموده بودند. نبردهای فرساینده با دولت روم امپراطوری اشکانیان را در معرض فروپاشی قرار داد. این جنگ‌ها در دراز مدت بر نیروی کشور بسیار فشار می‌آورد؛ به همین دلیل گرفتاری‌های فراوان داخلی حکومت در برابر گرفتاری‌هایی که در خارج از مرزها گریبان‌گیرش بود، بسیار ناچیز می‌نمود (بیانی، 1386: 91). در مرزهای شرقی نیز آلان‌ها، سکاها، کوشانی‌ها پارتیان را لحظه‌ای آرام نمی‌گذاشتند. گرچه جنگ‌های پایان‌ناپذیر وضع شاهنشاهی پارت را دشوار کرده بود، اما اوضاع داخلی مملکت پارت، آنها را از پای در آورد. اردوان تلاش بسیاری برای نجات دولت اشکانی کرد؛ ولی این تلاش‌ها بی‌ثمر ماند. وی بسیاری از شورش‌ها را آرام کرد. اما شورش‌هایی که در پارس صورت گرفت، سرانجام به شاهنشاهی اشکانی پایان داد.

1 -Perni
2-Aperni

اردشیر پاپکان با استفاده از موقعیت ممتاز خانوادگی توانست به فرمانروایی پارس برسد. وی ابتدا مناطقی در شرق مانند کرمان را مورد تاخت و تاز قرار داد و سپس به ماد و آدیابن حمله کرد. اما هنوز برای برانداختن اشکانیان نیروی کافی نداشت. وی با پادشاه هدیپ و کرکوک متحد شد. در نبردی بزرگ که در حدود سال 224 م. در هرمزدگان درگرفت، اردوان پنجم پادشاه بزرگ پارت شکست خورد و به قتل رسید (هرمان، 1373: 84). اردشیر پس از آن توانست تمام مخالفان خود را شکست دهد و اینگونه بود که امپراطوری اشکانی که بر اثر کشمکش‌های داخلی، تضعیف نیروی نظامی به سبب نبردهای پی‌درپی با دشمنان خارجی، پس از سلطنت پرتاخار بر این سرزمین به سمت انحطاط رفته و قدرت را به دست ساسانیان سپردند.

وسعت حکومت اشکانی:

قلمرو اشکانی ساختاری ملوک‌الطوایفی داشت. به این معنی که در رأس هرم قدرت پارت‌ها، شاه و در طبقه‌ی زیر ساتراپ‌ها یعنی فرمانروایان ایالت‌ها قرار داشتند. مملکت پارت شامل هجده استان یا ساتراپی بود. یازده استان که در بخش شرقی کشور جای داشت، استان‌های بالا (علیا) و هفت استان غربی را استان‌های پایین (سفلا) می‌خواندند.

استان‌های شرقی شامل: کومیسنه یا کومیشان که در دوره‌ی اسلامی قومس نامیده شد، ناحیه‌ی خوارنه یا خوار (در جنوب ری)، هیرکانیا (گرگان امروزی)، آستاونه (بجنورد، شیروان و قوچان)، پارت (خراسان فعلی)، آپاوارتکین (آببورد کنونی)، مرگیانا (مرو)، آریا (هرات)، آناتون (جنوب هرات)، زرنگینا (زرنج در کنار هامون)، آراخوزیا (رخج در ساحل علیای هیرمند)، استان‌های غربی نیز شامل: ماد غربی (قسمت وسیعی از ایران مرکزی و غربی و شمال غربی)، ماد علیا (همدان)، میان‌رودان (بین‌النهرین و بابل)، آپولونیاتیس (جلگه‌های دجله)، خالونی‌تیس (بلندی‌های زاگرس)، رگیان (نواحی شرقی ماد)، کامبادین (بیستون) (ستوده، 1352: 13).

علاوه بر اینها، شمار دیگری از استان‌ها در این دوره به صورت خودمختار اما زیر سلطه‌ی دولت اشکانی وجود داشت که دارای استقلال بودند. این استان‌ها به هنگام جنگ، سپاه

و امکانات در اختیار شاهنشاه قرار می‌دادند که شامل: سکستان، ارمنستان، کردوئن (قسمت شمالی کردستان فعلی)، آدیابن (آشور و مرکز آن اربل)، هاترا، آتروپاتن (سرزمین آذربایجان)، ایلام، پارس و کرمان، خاراگسن (مصب رود دجله و فرات تا ساحل خلیج فارس)، میسان، آسروئن (به مرکزیت ادسا) می‌شد (خاراگسی، 1390: 13). در نهایت بایستی به خاطر داشت که قلمرو حکومت اشکانیان به هنگام اوج متصرفات آنها سرزمین بسیار وسیعی بود که شبه قاره‌ی هند، بین‌النهرین، ارمنستان و ایران را شامل می‌شد.

هنر اشکانی:

هنر پارت به عنوان هنری که امروزه از آن اطلاع داریم از سال 1920 با حفاری های میشل رستوتزف¹ دانشمند روسی که در شهر دورا انجام داد، شناخته شده است. وی پس از بررسی و مطالعه آثار بدست آمده عنوان "هنر پارت" را مطرح ساخت. رستوتزف در اثر معروف خود به نام «دورا و مسئله پارت» کوشید تا چگونگی این هنر را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. از این زمان به بعد با کاوش های نواحی دیگر مانند پالمیر، هاترا، آشور و نواحی شرقی امپراطوری اشکانی در سرزمین افغانستان آثار ارزنده ای بدست آمد که هنر دوران اشکانی را وارد مرحله ای جدید کرد (ورجاوند، 1351: 89) به اعتقاد رمان گریشمن، هنر دوران پارت به دو دوران تقسیم می‌شود: «دوران اول که قرن اول پیش از میلاد را شامل می‌شود و دوران دوم که با سلطنت مهرداد دوم آغاز می‌شود و معتقد است در دوران اول سه نوع هنر رواج داشته است. 1- هنر یونانی مأب، 2- هنر یونانی - ایرانی، 3- هنر خاص ایرانی» (گریشمن، 1381: 17).

نفوذ هنر یونان بر هنر پارت امری پذیرفته شده است. هنر ایران نیز همچون دیگر پدیده‌ها، در داد و ستد گسترده‌ی فرهنگی، از هنر و صنعت اقوام دیگر تأثیر پذیرفته و البته تأثیر گذار نیز بوده و هرگز اصالت و ویژگی‌های خاص خود را از دست نداده است. اینکه این نفوذ به چه شکل بوده، سوالاتی است که پیوسته مطرح می‌گردد. آیا پارتیان از خود هیچ ابداع و نوآوری به خرج نداده و مغلوب عناصر هنری یونانیان شده‌اند؟ آیا

1. Rostovtzev, M, "Dura and the problem of parthian art", vol, 5. new heaven, 1935, pp. 155-304.

عناصر یونانی را بدون دخل و تصرف پذیرفته‌اند؟ یا اینکه همواره سعی بر آن داشتند که با وجود تأثیرات هنر یونان، هنر خاص خود را بوجود آورند؟ اینها موضوعات مهم و اساسی در مبحث هنر پارت است که همواره درباره‌ی آنها اظهار نظرهای گوناگونی شده است.

مالکوم کالج بر این عقیده است که: «پارتیان آنچه را که می‌خواستند از هنر یونان گرفتند و بقیه را فرو گذاشتند. در نتیجه با آنکه بسیاری پیکره‌ها و نشانه‌ها و علامات را از هنر یونان گرفتند ولی از دانش یونانی تشریح و طراحی چندان بهره نگرفتند و از کوشش یونانیان در تقسیم فضا و علم مناظر و مرایا هیچ نیاموختند.» (کالج، 1380: 147). در دوران پارت، هنر ایران تا حدودی متأثر از سنت‌های پیشین خود بود. اگر چه از لحاظ تکنیک تحت تأثیر هنر یونان بود، با این حال این هنر یک هنر کاملاً ایرانی به شمار میرفت.

به طور کلی ویژگی‌های هنر پارت را اینگونه می‌توان خلاصه کرد: ترسیم خطوطی که گردش آزاد و نرم دارند، خشکی و صلابت پیکره‌ها (تصویر کردن افراد به صورت خشک و با برجستگی کم)، آذین‌گری و پرداختن به جزئیات جامه‌ها و جواهرات و توجه زیاد به چهره پردازی. هنرهای رایج و مهم اشکانی که در این مبحث به آنها اشاره می‌شود، عبارتند از: نقش برجسته، گچ بری، فلزکاری، سکه، مهر، سفال.

نقش برجسته:

نقش برجسته‌ها در مطالعه‌ی تاریخ هنر ایران اهمیت ویژه‌ای دارند و در حقیقت برگ‌هایی از کتب مصور تاریخ، فرهنگ و هنر ایران هستند. تاکنون پژوهش‌های زیادی برای شناسایی و مطالعه‌ی نقش برجسته‌ها صورت گرفته است و از جنبه‌های بسیاری چون سبک‌های هنری، حوادث تاریخی، آرایش چهره و مو، جنگ افزارها، ساز و برگ اسب‌ها، چگونگی لباس و پوشش، تزئینات و زیور آلات و... مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته‌اند. از این رو در نوشتار حاضر به هنر نقش برجسته در طول تاریخ اشکانیان نظری گذرا افکنده و به شرح ویژگی‌های هنری، تکنیک ساخت و موضوعات آن می‌پردازد.

کهن‌ترین نقش برجسته‌ی اشکانی در کوه بیستون در پایین نقش برجسته و کتیبه‌ی داریوش اول نقر شده که متعلق به مهرداد دوم، شاهنشاه مقتدر اشکانی است. نقش برجسته دیگر نیز در بیستون توسط گودرز دوم به یادگار گذاشته شده است که در حاشیه‌ی شرقی نقش برجسته‌ی مهرداد دوم حجاری شده است. در حدود چهار صد متری شرق نگاره‌ی گودرز، تخته سنگی بزرگ به حالت چهار ضلعی نامنظم به بلندی 250 سانتیمتر که گرداگرد آن به شش متر می‌رسد، نقش‌هایی با برجستگی کم حجاری شده است (محمدی‌فر، 1387: 189).

در پایین نقش برجسته‌ی آنوبانی‌نی در سرپل ذهاب، نقش برجسته گودرز دوم یکی از حاکمان اشکانی دیده می‌شود (فن‌گال، 1386: 16). این نقش از برجستگی کمی برخوردار است و شاه اشکانی با بدن نیمرخ و سوار بر اسب حجاری شده است. علاوه بر این نقش برجسته‌ها، نقوش دیگری نیز بر جای مانده که متعلق به الیمایی‌ها می‌باشد. سرزمین الیمایی در جنوب غرب ایران قرار داشت و به دلیل موقعیت بسیار ممتاز، یکی از شاهک‌نشین‌های نسبتاً مقتدر و با نفوذ بود.

به طور کلی نقش برجسته‌های اشکانی نسبت به دوره‌ی قبل از خود از نظر تکنیک و ظرافت، اندکی افول کرده و از کیفیت آن کاسته شده است. نقش‌های ایجاد شده خشن و زمخت بوده و هنرمند در نشان دادن حجم، زیاد موفق نبوده است. حجاران برای ایجاد این نقوش، ابتدا زمینه‌ی نقش را کنده و سپس با نقر کردن خطوط، نقش مورد نظر را ایجاد می‌کردند. نقوش دارای صلابت و ابهت خاموش و آرام می‌باشند و تیپ انسانی داده می‌شود نه فرد خاص یا افراد مخصوص (وزیری، 1380: 145).

به تدریج در اواخر این دوره پیشرفت محسوسی در این زمینه رخ می‌دهد. نظیر نقش برجسته‌ی گودرز در بیستون که بیشتر تکیه بر حجم است تا بر خط. از مهمترین ابداعات دوره‌ی اشکانی در هنر نقش‌برجسته‌سازی، تمام‌رخ‌نمایی است که از ویژگی‌های بارز این هنر به شمار می‌رود (واندنبرگ، 1386: 103). این تغییر حالت از نیمرخ به تمام رخ دلالت بر تغییری می‌کند که در آن تصویر نیمرخ به منظور دیده شدن و تصویر تمام رخ، برای نوعی اعمال نفوذ در بیننده و حتی تسلط بر او بوده است. (پیرادا، 1373: 271). در آخر ذکر این نکته ضروری است که با وجود این که حجاران اشکانی در

انتخاب موضوع بسیار ابتدایی عمل کرده‌اند، اما این نقش برجسته‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند؛ زیرا این تصاویر وقایع دوران اشکانی و ویژگی‌های هنری این دوران را به خوبی نشان می‌دهند.

گچبری:

یکی از پدیده‌های هنری در معماری بی‌همتای ایران، هنر گچبری است. ایرانیان از دیر باز با عنصری به نام گچ آشنایی داشتند. این نکته را آثار گچی هفت تپه‌ی خوزستان که مربوط به تمدن ایلام است، تأیید می‌کند (نگهبان، 1372: 34).

از دوران اشکانی، بناهایی با تزئینات گچی به جای مانده است. از بهترین نمونه‌های اینگونه تزئینات می‌توان به نقش برجسته‌های گچی در سلوکیه، آشور، اوروک، کوه خواجه و قلعه‌ی یزدگرد اشاره کرد. هدف از به کار بردن گچبری در تزئینات دیواری همراه با نقش‌مایه‌های هندسی این بود که از طریق دستکاری در طراحی و قسمت‌های فرورفته‌ی سطح دیوار، نمونه‌های رنگین در تقابل با سایه و روشن پدید آید (بوسایلی، 1376: 20). این هنر از عناصر جالب توجه در معماری اشکانی می‌باشد. این گچکاری‌ها در حیاط‌ها، ایوان‌ها و مدخل‌ها به ویژه بر طاق‌ها و سقف‌ها و ستون‌ها به کار برده می‌شد.

در کوه خواجه نقاشی با گچبری به گونه‌ای بسیار زیبا در هم آمیخته شده و نقش‌های هندسی به طرز ماهرانه‌ای پیوسته تکرار می‌شود. هرتسفلد معتقد است که: «خواستگاه گچبری تزئینی شرق ایران بوده است» (هرتسفلد، 1381: 299). در بررسی‌های قلعه‌ی ضحاک تعداد زیادی تزئینات گچبری با نقوش هندسی، گیاهی، انسانی، حیوانی و ترکیبی بدست آمده است. بسیاری از این نقوش با نقوش گچبری‌های کوه خواجه، قلعه یزدگرد، کیش، آشور، هاترا و سلوکیه قابل مقایسه هستند که در عین حال تأثیر نفوذ فرهنگ هلنی - رومی به ویژه در گچبری‌هایشان دیده می‌شود.

نقاشی:

نقاشی‌های دیواری متعددی از دوران اشکانی بدست آمده و می‌توان آنها را از هنرهای رایج عصر اشکانی به حساب آورد. بخش مهمی از این آثار در دورااروپوس، واقع در

قسمت شمالی رود فرات، یافت شده است (حسینی، 1388: 297). این نقاشی‌ها از خصوصیات عام هنر اشکانی برخوردار است که به هر حال از تأثیرات هنر بیگانه، مبرا نیست. نقاشی‌های دورا اروپوس نشان‌دهنده‌ی منظره‌ی شکار، وضعیت سوارها و حیوانات و ریختن بخور در آتشدان است. از معروف‌ترین صحنه‌های نقاشی دورا، صحنه‌ای مذهبی است که دو نفر موید در مقابل آتشدان ایستاده و در حال ریختن بخور در آتش می‌باشند. از این نقش با عنوان صحنه‌ی «کونون» یاد می‌کنند. در این نقش خطوط با دقت تمام ترسیم شده است. در نقاشی‌های دورا اجزاء سنتی ایران کاملاً عیان و آشکار است (بوسایلی، 1376: 23).

بهترین نمونه‌ی هنر نقاشی دوران پارتی در کاخ اشکانی معروف به کوه خواجه بر فراز جزیره‌ای در میان هامون در سیستان می‌باشد که متعلق به سده‌ی اول میلادی است. کوه خواجه مزین به نقاشی‌های متنوع بوده که می‌توان سرچشمه‌ی تزئین در نقاشی را در آنها جستجو کرد. این نقاشی‌ها روایتگر داستان‌ها و وقایعی است که در زمان‌های استقرار در آن محل به وقوع پیوسته است. از تأثیرات هنر یونانی بر این نقوش یکی آن است که نقش‌ها با آزادی و نزدیکی زیاد به طبیعت به تصویر کشیده شده و دیگر اینکه شاه و ملکه در کنار هم نقش گردیده‌اند.

از ویژگی‌های هنر نقاشی در این دوران می‌توان به نشان دادن چهره‌ها به صورت تمام‌رخ و سه‌رخ، قلم‌گیری ضخیم و وجود پرسپکتیوهای ضعیف اشاره کرد. طرز به کار بردن رنگ‌ها بدون سایه روشن و به صورت مسطح بوده است (ویسهوفر، 1377: 164). چنین به نظر می‌رسد که تحولات تصویری در ایران به رغم گسستگی‌های تاریخی، نفوذ فرهنگ‌های بیگانه و آمیختگی با سنت‌های غیر متجانس، از پیوستگی و تداوم نسبی برخوردار بوده است. آنچه در بررسی نقاشی‌های دوران اشکانی برای تاریخ هنر ایران حائز اهمیت است، طرح‌ها و شیوه‌های خاص هنری ایرانی است که پایه و اساس آن در روزگاران پیش ریخته شده و در این عصر کاملاً شکل گرفته است.

فلزکاری:

با وجود کمبود داده‌های فلزی در دوران اشکانی، آثار فلزی این دوره‌ی تاریخی بخش مهمی از هنر ایران را تشکیل می‌دهد. در این دوران هنر فلزکاری با تغییرات نه چندان زیاد ادامه یافت. با وجود این که در دوره‌ی سلوکی، هنر یونانی آشکارا در ایران نفوذ کرد و تأثیرات چندی بر آن گذاشت، اما با بررسی آثار فلزی باقی مانده از دوران اشکانی می‌توان به این نتیجه رسید که هنر فلزکاری در این دوره بیشتر به هنر هخامنشی نزدیک است تا هنر یونانی (گانتر، 1383: 130).

فلزکاری اشکانی در ابتدا تقلیدی از هنر و تمدن یونان همراه با آمیختگی هنر ایرانی بوده است. خصوصاً در اوایل کار اشکانیان این نفوذ بیشتر است. اما آثار مفرغی در اواخر حکومت بسیار پیشرفت کرده است. هنرمندان پارسی یا از هنر هخامنشی پیروی می‌کردند و یا این که نه تنها در فلزکاری، بلکه در معماری، حجاری و حتی در ضرب سکه از هنر یونانی تأثیر می‌گرفتند (احسانی، 1382: 95).

از آثار هنری باقی مانده‌ی دوران پارت می‌توان به اشیاء بسیار نفیس از جمله کاسه‌های نقره‌ای، دستگیره‌ی ظروف، ریتون‌های شیپوری شکل، جنگ‌افزارها، ظروف سیمین و زرین اشاره کرد که با روش چکش‌کاری، قالب‌گیری، کنده‌کاری، ریخته‌گری ساخته شده است.

سکه‌شناسی:

در دوره‌ی پارت‌ها، دادوستد به وسیله‌ی سکه‌های نقره، مس و برنز انجام می‌گرفت و سکه‌های طلا از آنها دیده نشده است (محمدی فر، 1387: 263). تصویر فرمانروایان پارسی بر این سکه‌ها در ردیف شاهکارهای هنر ایران محسوب می‌شود. در این دوره با انواع آرایش مو، لباس و کلاه به عنوان تاج مواجه می‌شویم. بر روی سکه‌ها تصویر فرمانروای اشکانی در حالی که به سمت چپ می‌نگرد، نقش گردیده است.

مهمترین نکته‌ای که در هنگام بررسی نقوش سکه‌ها باید به آن توجه داشت، عبارت است از کلاه یا تاج فرمانروا. تاج در آغاز شاهنشاهی اشکانی به شکل کلاه ساده‌ای بود که به باشلیق معروف است. این کلاه را قبلاً بزرگان ماد بر سر می‌گذاشتند و دارای

دنباله‌هایی بود که روی گوش و پشت سر را می‌پوشانید و نواری که زینت بخش کلاه بود. نمونه‌ی این کلاه بر سر اشک اول، تیرداد و فرهاد اول دیده می‌شود. از زمان مهرداد اول تصویر شاه بدون کلاه نقش گردید و تاج به صورت نواری به چشم می‌خورد که در پشت سر گره خورده است (سرفراز و آوردزمانی، 1383: 29).

اما سکه‌های مهرداد اول در حالت نشسته و متمایل به راست دیده می‌شود. پشت تمامی آنها ارشک، سرسلسله‌ی اشکانیان در حالی که روی تخت نشسته، نقش بسته است. نقش سکه‌های یک درهمی ساده‌تر است. اما در سکه‌های چهار درهمی، تنوع نقش شاه به خوبی دیده می‌شود. پشت سکه‌های اشکانی بیشترین اطلاعات را در زمینه‌های مختلف می‌توان بدست آورد. نوشته‌ی پشت سکه‌ها شامل نام پادشاه به صورت ارشک و گاهی نام شاه به همراه عناوین و القاب، اطلاعات مربوط به ضرابخانه و تاریخ ضرب سکه است. سکه‌های مسین نیز چون در میان اقشار مختلف کاربرد داشته، از لحاظ تصاویر و مضامین بسیار متنوع‌تر از سکه‌های نقره هستند و به علت آزاد اندیشی پارتیان، آثاری از عقاید و باورهای رایج در حکومت و سرزمین اشکانیان بر آنها انعکاس یافته است.

مهر شناسی:

قدیمی‌ترین مهرها متعلق به هزاره‌ی چهارم ق.م هستند که از جنس گل پخته، سنگ مرمر، سنگ گچ و سنگ صابون ساخته شده‌اند. شکل مهرهای اولیه به صورت دکمه‌ای شکل و استوانه‌ای بوده است. مهرهای دوران هخامنشی در دو گروه استوانه‌ای و استامپی طبقه‌بندی می‌شود. یکی از نکات برجسته در بررسی مهرسازی دوران اشکانی، انقراض مهرهای استوانه‌ای در پایان دوره‌ی هخامنشی است. در دوره‌ی سلوکی از مهرهای کروی شکل استفاده می‌کردند؛ اما در دوره‌ی اشکانی، قسمت مربوط به نقوش از پهنای بیشتری برخوردار بود (محمدی فر، 1387: 241). پرفسور گیبسون معتقد است که مهرهای اشکانی در ادامه‌ی سبک و سیاق مهرهای سلوکی ساخته شدند که سبکهای هلنیستی را با سبک‌های بومی و محلی در هم آمیخت. تصاویر این مهرها نشان دهنده‌ی سنت‌های هلنیستی است که شامل نقش مایه‌هایی از قبیل آتنا و تصاویر نیکه، آپولو و خدایان می‌باشد. اثر مهرهای متفاوتی از دوره‌ی پارت در حفاری‌های نسا، قومس و مرو

بدست آمده که حاوی صحنه‌هایی با نقوش مبارزه‌ی دو جنگجو، آهو، بز، پروانه، سگ، طرح‌های هندسی و نقوش گیاهی است. جزئیات این مهرها حاکی از آن است که این نقشمایه‌ها از هنر یونان تأثیر گرفته‌اند. متقابل درپی داشت.

سفال:

از اکتشافات جدید باستان‌شناسی، اطلاعات بسیاری از سفالگری اشکانیان بدست آمده است. بر اساس این اطلاعات، سفال اشکانی را می‌توان به دو گروه عمده‌ی ظروف لعابدار و ظروف بدون لعاب، تقسیم کرد. این سفال دارای نقوش زیاد و طرح‌های هندسی نیست، بلکه در عوض دارای لعاب است که غالباً دو رو است و هر دو طرف اثر، یک رنگ داده شده است (وزیری، 1380: 146). رنگ این لعاب سبز روشن تا آبی فیروزه‌ای بود. بنابر این می‌توان گفت که صنعت لعاب روی سفال از اختصاصات این دوره محسوب می‌شود.

ظروف سفالین لعابدار بدست آمده از این دوره، اغلب خمیره‌ها و کوزه‌های بسیار بزرگ هستند که دارای دسته‌های مضاعف می‌باشند. در زمینه‌ی سفالینه‌های بدون لعاب نیز سفالگران اشکانی آثار متنوعی عرضه کرده‌اند که از ظروف لعابدار، مقاوم‌تر ساخته شده است. بعضی از آنها ساده و متداول و در اشکال کوزه، تنگ، سبوی، ابریق، کاسه و پیاله‌اند (کامبخش فرد، 1380: 9). بزرگترین و مهمترین نفوذ صنعت سفال در دوره‌ی اشکانی عبارت از تابوت‌هایی از سفال لعابدار است که به شکل حمام دستی (وان) و شبیه به کفش راحتی بوده که دری هم از نوع خود داشته و دارای سرپوش بوده است.

زیباشناختی معماری اشکانی:

امتزاج دو تمدن و فرهنگ ایرانی و یونانی که مورد نظر اسکندر و سلوکوس بود؛ تحقق نپذیرفت. یونانیان که متوجه تضادهای عمیق و آشتی ناپذیر موجود شده بودند. تمدن، فرهنگ و هنر ایران زمین در فاصله‌ای از زمان انقراض حکومت هخامنشیان تا روی کار آمدن پارت‌ها بدلیل جنگ‌ها و فتوحات مختلف بویژه در عهد اسکندر از تحول و گسترش دور ماند و بیشتر تحت تأثیر هنر و فرهنگ یونان و منطبق با طرز زندگی آنها

واقع شد. در نتیجه آنچه تولید می‌شد نه یونانی بود و نه جنبه‌ی ایرانی داشت. بلکه اقتباسی از کلیه‌ی سبک‌های رایج بود.

پارت‌ها در زمینه‌های هنری بویژه در معماری، ابتکارات بدیعی داشتند. آنها با برخورداری از پیشینه‌ی غنی دوباره به احیای هنرهای فراموش شده و یا تغییر یافته‌ی ایرانی کردند. با فترتی که در هنر ایران پدیدار شده بود، نه تنها احیاگر معماری و سنت‌های گذشته‌ی ایران شدند؛ بلکه تحولی عظیم در زمینه‌ی شهرسازی و معماری ایجاد کردند. فریه در مورد هنر دوره‌ی پارت اینگونه نقل می‌کند: «در سده‌ی اول بعد از میلاد شاهد نوعی ملی شدن هنر در جامعه پارتی می‌باشیم؛ چراکه گشایش درهای اقتصادی به روی عموم طبقات، خصوصاً بازرگانان و پیشه‌وران رو به افزایش گذارد» (فریه، 1374: 53). اگرچه در ایران از هزاره‌ی دوم ق.م اجرای قوس و طاق در پوشش معبد چغازنبیل و در دوره‌ی مادها در تپه نوشیجان انجام گرفته بود، اما بکار گرفتن گنبد که وسعت قابل توجهی را در یک بنای مربع می‌پوشاند، برای اولین بار در جهان در شیوه‌ی معماری پارتی بکار برده شد (رسولی، 1386: 39). طراحی بناهای شیوه‌ی پارتی پس از ابداع گنبد، آمیخته‌ای از ایوان، اتاق و تالار گنبددار است. یک مجموعه‌ی ساختمانی پارتی در آغاز حاصل تلاقی ایوان‌ها و اتاق‌ها است و متعاقب این طرح اولیه، مجموعه‌ی مسکونی در چهار طرف یک حیاط چهار ایوانه یا دو ایوانه استقرار می‌یابد. سطوح داخلی ساختمان را پس از اندود، گچبری و سرانجام با دیوارنگاره‌های رنگی تزئین و آرایش می‌دادند. نمای خارجی نیز با تلفیق عناصر مختلف (برای مثال ستون‌ها، گچبری‌ها و...) آراسته می‌شد.

با توجه به آثار به جای مانده از معماری اشکانیان می‌توان تا حدودی به سبک و سیاق آنها پی برد. از جمله این ویژگی‌ها: حداکثر استفاده از مصالح بومی، استفاده از تکنیک پیشرفته‌ی طاق و گنبد، شکوه و ارتفاع زیاد، تنوع مختلف در طرح‌ها و عناصر تزئینی و استفاده از ملات ساروج¹ است (بارشاطر، 1383: 544).

1. ساروج به مخلوطی از خاک رس و آهک گفته می‌شود.

ریشه تزیینات معماری دوره اشکانی:

انقراض سلسله‌ی هخامنشی به دست اسکندر مقدونی و سپس تأسیس دولت سلوکی (312 ق م)، گرایش یونانی‌مآبی در فرهنگ و هنر ایران پدیدار شد و فضا سازی سه بعدی، جامه پردازی، نمایش حالات و حرکات آمیخته با کیفیت‌هایی چون تعادل، تقارن و تناسب جای سنت هنر هخامنشی را گرفت. با این حال، تسلط قالب‌های بازنمایی یونانی با حفظ برخی عناصر هنر شرقی توأم بود. بر خلاف آنچه که برخی هنر اشکانی را متأثر از هنر یونانی می‌دانند؛ هنر اشکانی ریشه در هنر مشرق زمین دارد. چراکه طرح‌ها و مایه‌های آیینی و روحانی، علاقه به ظرافت و ریزه‌کاری و پرداختن به جزئیات، تزیین و شیوه‌ی نمایش از روبرو که از ویژگی‌های هنر اشکانی است، منبع شرقی دارد (شیپمان، 1384: 105).

آنها در اوایل از شیوه‌های هنر یونانی پیروی می‌کردند، اما پس از مدتی به هنر معماری به ویژه به معماری سنتی و ملی ایران تمایل نشان دادند. در این دوره از معماری رسمی ایران، ساختن گنبد متداول گشت. نخستین جلوه‌های هنر معماری پارتی را در نسا، اولین پایتخت پارتیان (یا «اشک آباد» در چند کیلومتری شهر جدید «عشق آباد» پایتخت کنونی جمهوری ترکمنستان) می‌بینیم. کاخ شاهی نسا هرچند از دیدگاه تزیینات تا حدی تحت تأثیر هنر یونانی است (مثلاً پیکره‌های اجداد شاهان پارتی که از گل ورزیده ساخته شده، و به شیوه‌ی یونانی مقام ایزدی یافته‌اند)، اما خود بنا با شگفتی بسیاری دارای طرحی چهار ایوانی بر گرد یک حیاط است؛ طرحی که از نسای اشکانی آغاز شده و همچنان به صورت طرح رسمی و سنتی ایران شناخته می‌شود و تا خارج از ایران و در بین‌النهرین گسترش یافته است.

در مورد نقاشی‌های دورااروپوس، بسیاری از ویژگی‌های هنر ایرانی مشاهده می‌شود. مثلاً همان تصاویر حیوانات در حال تاخت و پیکر باشکوه خداوند که به لباس پادشاه درآمده که با کمان تیراندازی می‌کند، ویژگی‌های کاملاً دقیق هنر ایرانی را نشان می‌دهد. در نقوش برجسته‌ی پارتی تأثیر هنر غربی کمتر است. در قدیمی‌ترین نقش برجسته‌ی پارتی متعلق به سال 80 ق.م که در بیستون حجاری شده است، همان ویژگی‌هایی که

در نقش برجسته‌های هخامنشی دیده می‌شود؛ یعنی نقوش دارای صلابت و ابهت خاموش و آرام می‌باشند. قانون تقابل از روبرو که در مفرغ‌های لرستان سابقه داشته است، به وسیله‌ی پارتیان پیروی گردید و بدست ساسانیان به کمال رسید (وزیری، 1380: 146).

نکته‌ای که عده‌ای از پژوهشگران همواره تصور کرده‌اند، اینست که هنر ایران در دوره‌ی پارت تنزل کرده و تماماً تحت تأثیر فرهنگ یونانی واقع شده است (خدادادیان، 1380: 299). البته این تأثیر متقابل را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا موضوع التقاطی هنر یونانی - ایرانی، بازتابی بود در برابر نفوذ یونانیان در ایران که بویژه در آثار معماری قابل رویت است.

پارتی‌ها هیچ زبان هنری مشترکی را تحمیل نمی‌کردند و اجازه دادند که سنت‌های متفاوتی شروع به رشد کند و خود آنها نیز بر این هنر تأثیر می‌گذاشتند. بنا بر این، ریشه و منشأ هنر پارتی بر طبق دانش امروزی ما التقاط و تلفیق پیچ در پیچی بوده از خصوصیات محلی ایرانی با ویژگی‌های هنر یونان، بین‌النهرین و سوریه . بی‌تردید استادان یونانی، معماران و مجسمه سازان و کنده‌کاران بر روی استخوان و سنگ و فلز، در هنر پارتی تأثیر و حتی شرکت مستقیم داشته‌اند (دیاکونف، 1351: 127). ولی این تأثیر به صورت متفاوتی بوده، به این معنی که نتیجه‌ی آن دستکاری شده بود و سرانجام عناصری در آن وارد گردید که کاملاً منشأ ایرانی داشت و همسو با سنت‌های کهن ایرانی بودند.

نتیجه گیری:

در شمال شرق ایران قومی به نام پارتیان سلطه‌ی خود را بر سرزمینی وسیع آغاز نمودند. قوم پارت یکی از شعبه‌های نژاد آریایی بود که در کتیبه‌ی داریوش در بیستون سرزمین آنان «پرتو» خوانده شده است. آنان یک دولت مقتدر و نیرومند را برای مدت پنج قرن پایه‌گذاری نمایند و معماری کاملاً متفاوتی را تکوین بخشند. پارتیان با ترکیب عناصر هنری یونانی و ایرانی، شیوه‌ی جدید و بی‌نظیری را در معماری بوجود آوردند و با تجدید حیات مجدد به ویژگی‌های عناصر و نمادهای ایرانی روح بخشیدند. بطور کلی

می‌توان گفت که هنر این عهد با تکیه بر سنت‌های کهن، بیان خاص و متفاوت خود را یافت که از نظر محتوی، شکل و نمود خارجی ارتباطی مستقیم با هنر یونان نداشت. چنانکه هنر معماری این دوران در آثار معماری، بنایی با مصالح مختلف و تکیه بر دو پدیده‌ی ایوان و پوشش قوسی و گنبد، طرح چهار ایوانی، معماری هخامنشی متعلق به جامعه درباری را تحول بخشید و به سوی تکامل و گسترش رهبری کرد. دوران اشکانی را در زمینه عرضه داشتن هنر دیوارنگاره، میبایست از دوران موفق هنر ایران دانست. هنر نگارگری در این عهد چه از نظر انتخاب موضوع و چه از نظر صحنه پردازی و ترکیب رنگ‌ها دورانی بس شکوفا را پشت سر گذاشت. می‌توان اینگونه بیان کرد که بر اساس مدارک و آثار بدست آمده برخی از این عناصر گرچه ریشه‌ی یونانی داشته، اما هرگز تقلیدی صرف از آثار یونانی نیست و در پشت این آثار، اندیشه‌های غنی ایرانی و بومی پنهان است.

هر این دوران میان هنر رایج پیش از خود و عهد هخامنشیان با دوران ساسانی ارتباطی محکم برقرار کرده چنانکه راهی که هنر ایران در دوران اشکانی دنبال کرده بود، در دوران ساسانی بدون تغییر جهت دنبال گردید و تغییر سلسله نتوانست تحول و تکامل این هنر را از بین برد بلکه این هنر با آهنگ و شتابی چشمگیرتر به راه خود ادامه داد.

منابع:

- احسانی، محمدتقی، 1382، هفت هزار سال فلزکاری در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- بوسایلی، ماریو و امبرتو شراتو، 1376، هنر پارسی و ساسانی، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران: مولی
- بیانی، ملک‌زاده، خرداد و تیر 1356، اولین تخت‌گاه پارت‌ها، نشریه بررسی‌های تاریخی، شماره 70
- پرادا، ایدت، رابرت دایسون و دیگران، 1373، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، نشر دانشگاه تهران: موسسه انتشارات و چاپ

- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن، 1390، پارس تا پارت، تصحیح و اضافات ایراندخت مرزبان، تهران: محور
- پیگولوسکایا، ن، و آ. یو. یاکوبوسکی، 1354، تاریخ ایران، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام
- خاراکسی، ایزیدور، 1377، ایستگاه‌های پارتی، مترجم فیروز حسن عزیز، به کوشش نادر کریمیان سردشتی، تهران: میراث فرهنگی
- خدادادیان، اردشیر، 1380، تاریخ ایران باستان اشکانیان، تهران: نشر به‌دید
- دیاکونف، میخائیل، میخائیلوویچ، 1351، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام
- رسولی، هوشنگ، 1386، تاریخچه و شیوه‌های معماری در ایران، تهران: پشتون
- ستوده، حسینقلی، 1352، قلمرو دولت اشکانی، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، شماره 6، سال هفتم
- سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آوردزمانی، 1383، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت
- شیپمان، کلاوس، 1384، مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: نشر و پژوهش فرزنان روز
- فرای. ن، ریچارد، 1389، تاریخ ایران در دوران اشکانی و ساسانی در بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی، گزارشی از سمینار یادواره ولادیمیر لوکونین، ترجمه زهرا باستی: انتشارات سمت
- فریه، ر، دبلیو، 1374، هنر اشکانیان (پارت‌ها)، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: انتشارات فرزنان
- فن‌گال، هوبرتوس، 1378، جنگ سواران، فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات نسیم دانش
- کالج، مالکوم، 1380، پارتیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات هیرمند: تهران
- کامبخش، سیف‌الله، 1380، سفال و سفالگری در ایران: انتشارات ققنوس

گانتز، سی و پل جت، 1383، فلز کاری در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی، ترجمه شهرام حیدرآبادیان، تهران: گنجینه هنر

گریشمن، رمان، 1381، هنر ایران (پارت و ساسانی)، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

گشایش، فرهاد، 1378، تاریخ هنر، تهران: انتشارات عفاف

محمدی‌فر، یعقوب، 1387، باستان‌شناسی و هنر اشکانی، تهران: انتشارات سمت

نگهبان، عزت‌الله، 1372، حفاری در هفت تپه دشت خوزستان: سازمان میراث فرهنگی کشور

واندنبیگ، لوئی، 1386، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام: انتشارات دانشگاه تهران

ورجاوند، پرویز، آبان 1351، سیری در هنر ایران در دوران اشکانیان در: اجلاس چهارم کنگره تاریخ و فرهنگ ایران

وزیری، علینقی، 1380، تاریخ عمومی هنرهای مصور، تهران: انتشارات هیرمند

ویسهوفر، یوزف، 1377، ایران باستان از 550 پیش از میلاد تا 650 پس از میلاد، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس

هرتسفلد، ارنست، 1381، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده و زهره بهجو، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هرمان، جرجینا، 1387، تجدید حیات هنر ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: نشر دانشگاهی